

وَإِذْ كُنَّا مَا يُنْثَلِي فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحُكْمِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

معماری اسلامی

از منظر مبانی نظری، ارزش‌های معنوی و تحولات تاریخی



سرشناسه: اسپاهیچ، اومر، ۱۹۶۸ - م.

Spahić, Omer

عنوان و نام پدیدآور: معماری اسلامی: از منظر مبانی نظری، ارزش‌های معنوی و تحولات تاریخی / تألیف اسپاهیچ عمر؛ مترجمان میترا غفوریان، علی دل‌زنده، سیدمصطفی زرابادی؛ با تفریطی از عبدالحمید نقره‌کار؛ [برای] حوزه هنری مرکز معماری اسلامی... [و دیگران].

مشخصات نشر: قزوین: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد قزوین، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.: مصور.

شابک: ۵-۴-۶۶۴۷-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Islamic architecture: its philosophy, spiritual significance & some early developments, 2009.

یادداشت: [برای] حوزه هنری مرکز معماری اسلامی، مرکز تخصصی هنر و معماری، قطب علمی معماری اسلامی، انتشارات

جهاد دانشگاهی قزوین. جهاد دانشگاهی

یادداشت: کتابنامه

موضوع: معماری اسلامی

موضوع: Islamic architecture

موضوع: معماری اسلامی -- تاریخ

موضوع: Islamic architecture -- History

موضوع: هنر اسلامی

موضوع: Islamic art

شناسه افزوده: غفوریان، میترا، ۱۳۵۰ - مترجم

شناسه افزوده: دل‌زنده، علی، ۱۳۶۷ - مترجم

شناسه افزوده: زرابادی، سیدمصطفی، ۱۳۷۲ - مترجم

شناسه افزوده: نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۲۲ -

شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی. سازمان انتشارات. واحد قزوین

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. مرکز معماری اسلامی

رده بندی کنگره: NA۳۸۰

رده بندی دیویی: ۷۲۰/۹۱۷۶۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۲۶۴۰۷

معماری اسلامی

از منظر مبانی نظری، ارزش‌های

معنوی و تحولات تاریخی

تألیف:

اسپاهیچ اومر

مترجمان:

میترا غفوریان

علی دل‌زنده

سیدمصطفی زرابادی

با تفریطی از: مهندس عبدالحمید نقره‌کار

ویراستاری ترجمه (مرحله اول):

الهام سادات حسینی

بازخوانی و ویراستاری ترجمه (نهایی):

سارا دادوند

ویراستاری نگارشی: فائزه احمدی

گرافیک و صفحه‌آرایی: مرضیه حمیدی‌زاده

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۷۵۰۰۰۰ ریال

انتشارات جهاد دانشگاهی واحد قزوین

کلیه حقوق محفوظ است

تألیف:

اسپاهیچ اوامر

مترجمان:

میترا غفوریان

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

علی دل زنده

پژوهشگر دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی و عضو جهاد دانشگاهی قزوین

سید مصطفی زراآبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

با تفریظی از: مهندس عبدالحمید نقره کار

معمارے اسلامی

از منظر مبانی نظری، ارزش های معنوی و تحولات تاریخی



انتشارات
جهاد دانشگاهی
قزوین



قطب علمی
معماری
اسلامی



مرکز تخصصی
هنر و معماری
جهاد دانشگاهی



حوزه هنری
مرکز معماری
اسلامی

تفریظ

بحث پیرامون فرهنگ و تمدن اسلامی، موضوعی مربوط به گذشته تاریخی نیست، بلکه مهم ترین نیاز در جهان معاصر و جهادی علمی، برای ساختن آینده ای انسانی و متعالی خواهد بود.

اگر قرن بیستم با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به توهّم پایان تاریخ در رویکرد لیبرال سرمایه داری و مدل آمریکائی آن پایان داد و تاریخ نگاران معاصر، چالش قرن بیست و یکم را، تقابل دو فرهنگ و تمدن اسلامی و غربی مطرح نموده اند، بنابراین بحث پیرامون این دو فرهنگ و تمدن (الهی و بشری) و آثار الهام بخش آن، ضرورتی الزامی و موضوعی عصری، آینده ساز و عبرت آموز است .

آنچه تا امروز بسیاری از مورخین و مؤلفین به اصطلاح (شرق شناس و اسلام شناس) در باره فرهنگ اسلامی و تمدن مسلمانان نوشته اند، متأسفانه خالی از جهل و تعصب نسبت به این فرهنگ و آثار معنوی و انسانی آن نبوده است.

تحقیقات فوق اغلب موارد، رویکردی (تاریخی - توصیفی) داشته و استناد آن ها به منابع غیر اسلامی و غیر اصیل بوده است . در این تألیفات، با تفاسیری غیر واقعی و متعصبانه، مکتب اسلام را فاقد مباحث (زیبائی شناسی) و (فلسفه هنر و معماری و شهرسازی) دانسته و تمدن مسلمانان، از جمله (معماری و شهرسازی) آن ها را، تقلیدی از سایر اقوام متمدن معرفی نموده اند.

اینجانب و همکاران در تألیفات متعدد و نظرات جدید داوری و تأیید شده خود در کرسی های نظریه پردازی شورایی انقلاب فرهنگی اثبات نموده ایم که زیبایی شناسی، فلسفه و حکمت هنر اسلامی، مباحثی محدود، قراردادی و بشری نیست، بلکه مبتنی بر مباحث معبودشناسی، هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی اسلامی، مکتبی است جامع و مانع که بر پایه اسماء الحسنی الهی (اسماء صفاتی و اسماء فعلی خداوند متعال) مکتب زیبایی شناسی و حکمت هنر آن، مکتبی است جامع و مانع، فرازمانی و فرامکانی، بی بدیل، الهام بخش و لایتناهی.^۱

در حوزه مباحث معماری نیز بعنوان نمونه اثبات نموده ایم که در تبدیل چهار طاقی آتشکده ها به مسجد یزدخواست، مسلمانان در پیروی از فرهنگ اسلامی عبادتگاه های سایر اقوام را تخریب ننموده و آتش نزده اند، یا با زور متعرض اعتقادات آن ها نشده اند، بلکه بعد از پذیرش آگاهانه و اختیاری دین اسلام، با کمترین تغییرات فیزیکی، محتوای عبادتگاه را کاملاً متحول و اسلامی نموده اند.^۲

در ارزیابی آثار تاریخی باید رویکردی (توصیفی - تحلیلی) داشت تا از نتایج آن برای اصلاح آثار آینده عبرت گرفت، برای نمونه این نگارنده در تحلیل کلیساهای صلیبی، اثبات نموده ام که چگونه انحراف در مفاهیم اعتقادی نظیر (شفاعت، توبه، گناه اولیه، ریاضت و روحانیت تقوی)، انسان شناسی، رابطه انسان با خدا، معنا گرایی و نماد گرایی و غیره).

در تفکر و اعتقادات مسیحی باعث ایجاد عبادتگاه هایی شده است، که از منظر اسلامی و مفهوم حقیقی (عبادت و عبادتگاه فردی و جمعی)، از ابعاد (عملکردی و مراسم و مناسک) و سپس از ابعاد هنری و معماری نظیر (نوع ایده های فضایی - هندسی، نوع آرایه ها و تزئینات، نوع نمادگرایی، ابعاد ارتباط با عناصر و اجزاء محیطی و غیره) دوچار انحراف از مسیر الهی و حقیقت عبادت و عبادتگاه شده اند. در حالیکه راه تکاملی همه انسان ها و مفهوم حقیقی عبادت از منظر همه پیامبران یگانه بوده است.^۳

رویکردهای انحرافی در تألیفات شرق شناسان غربی، اغلب از متناظر گرفتن مکتب الهی اسلام با فرهنگ و تمدن اعراب جاهلی است و یا غفلت از جایگاه و رسالت پیامبران که مسیر هدایت انسان ها و تحقق استعداد های بالقوه و بالفعل آن ها در جهت صیورورت وجودی و تکامل آگاهانه و اختیاری است، در حالیکه دستاوردهای علوم تجربی و مهندسی که مبنای پیشرفتهای کمی اقوام و ملل و ابعاد مادی تمدن بشری است، اموری انسانی تلقی شده و در هر دوره تاریخی، یکی از اقوام در اوج و یا حضیض آن قرار می گیرند. تحولات تاریخی و تمدنی موجود اقوام و ملل این نظریه را اثبات نموده و مینمایند.

علوم تجربی همان علمی است که پیامبر اکرم (ص) در زمان بعثت خود برای فراگرفتن آن حتی رفتن به کشور چین را توصیه نموده اند.^۴ در ارزیابی و تحلیل آثار تاریخی به این نکته بنیادی و اساسی باید توجه نمود که، از منظر اسلامی همه (مکاتب بشری) و (ادیان الهی) غیر از اسلام

۱- نظریه (نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی نظیر آثار هنری و معماری و شهرسازی) کتاب پنج رساله انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین سال ۱۳۹۷

۲- نظریه (خانه کعبه سلول بنیادی در طراحی نیایشگاه مطلوب) کتاب پنج رساله انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین سال ۱۳۹۷

۳- «أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا تَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»

«پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب ها و فرستادگانش ایمان آورده اند [و گفتند]: «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی توست.» «سوره البقره - آیه ۲۸۵»

۴- پیامبر اکرم (ص): «اطلبوا العلم ولو بالصین»، «علم را بیاموزید حتی از چین» [وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۷]

یا ناقصند و یا تحریف شده اند و فقط مکتب اسلام مبتنی بر (کلام الهی و سنت معصومین^(س)) جامع و مانع و خطا ناپذیر باقی و محفوظ مانده است.^۱

اندیشه‌های معاصر غربی با محروم نمودن خود از (وحی الهی) مبتنی بر رویکردهای (داروینیستی) و حیوان پنداری انسان، متأسفانه در عمل به دنیا پرستی (اومانیستی و لیبرالیستی) پرداخته و قانون جنگل (ماکیاولیستی) را بر تعاملات اجتماعی و تمدن بحران آفرین معاصر حاکم نموده اند.

این رویکرد حقیقت ستیز و تمدن برانداز، با نفی فطرت الهی و نفوس (عقلانی و روحانی) انسان‌ها که (نوعی و غیر متکثر) بوده و (فرازمانی و مکانی) است، در عمل مباحث زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر و معماری و شهرسازی معاصر را دوچار (نسبی گرایی، شکاکیت و کثرت گرایی) نموده اند. این رویکردها هنرمندان و آثار هنری را به سوی پوچ گرایی و هرج و مرج طلبی (نیهیلیستی و آنارشیکستی) سوق داده و میدهند. در عمل منابع و مبانی تاریخ تمدن و پایه‌ها و زیر بناهای فرهنگ و تمدن جهانی را دوچار تزلزل و فروپاشی نموده است.

اکنون در نظام جمهوری اسلامی برای خلق تمدن نوین اسلامی با هویت (اسلامی) و با توجه به مجموع شرایط محیطی و بومی (ایران و سایر کشورهای اسلامی)، بزرگترین مسئولیت و رسالت اسلام باوران، ابتدا مقابله با رویکرد ضد انسانی و (حیوان پنداری) انسان است با تبیین عمیق و منطقی ابعاد (عقلانی و روحانی) انسان‌ها که ثابت بوده و ضامن سیر و ضرورت تکاملی، اختیاری، اجتماعی و تاریخی جامعه بشری می‌باشد.

این اقدام انقلاب و مهم با اصلاح روشهای تحقیق موجود و مراجعه جدی به منابع (کلام الهی و سنت معصومین^(س)) و سپس به منابع (عقل و اجماع خبره گان) در تحقیقات میسر خواهد بود. آنگاه کسب تجربه و الهام از تمدن غنی و آثار هنری و معماری و شهرسازی دوران اسلامی به خصوص ایران، زمینه مناسب و عبرت آموزی است. برای احیاء و بازآفرینی و خلق آثاری اصیل، که در پرتو نظام اسلامی و حاکمیت ولی فقیه، زیرساختهای آن در ایران نسبتاً فراهم شده و قابلیت تحقق می‌یابد.

در این مسیر انقلابی و تاریخی، بین شیعیان و برادران سُنی مذهب در حوزه‌های زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر وجوه بسیار مشترکی است و اختلاف مبانی اجتهادی و فقهی نیز در حوزه روش‌ها و شیوه‌های عملی و اجتهادی تأثیر گزار است که باید بدون تعصب مورد تحقیق علماء حوزه و دانشگاه قرار گیرد و از این نظر آشنائی با کتاب‌هایی که محققین محترم مسلمان، به صورت (توصیفی - تحلیلی) آثار تمدن دوران اسلامی را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند بسیار واجد ارزش و درس آموز است.

کتاب حاضر نیز که توسط اساتید ارزشمند سرکار خانم دکتر میترا غفوریان، آقای مهندس علی دل‌زنده و آقای مهندس سیدمصطفی زرآبادی ترجمه شده است یکی از آن کتاب‌هایی است که باید مورد تحقیق و ارزیابی قرار گیرد.

۱- قرآن مجید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» «همانا دین در نزد خداوند فقط اسلام است» [آل عمران - آیه ۱۹]

به نظر حقیر، لازم است محققان جوان آثار تاریخی دوران اسلامی را با روشی (تطبیقی و تحلیلی) به صورت (حکیمانه و منصفانه) مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند و تاریخ هنر معماری و شهرسازی جدیدی را مبتنی بر فرهنگ و تمدن اسلامی باز نویسی و باز آفرینی نمایند. مقدمات نظری این کار بنیادی نسبتاً فراهم است، و اراده ای (آگاهانه، انقلابی و حکیمانه) مبتنی بر کسب (هدایت و نصرت الهی) ضامن و لازمه این کار اساسی و آینده ساز است. آرزوی توفیق و تأیید الهی برای مؤلف محترم و مترجمین گرامی دارم.

ومن الله التوفيق
عبدالحمید نقره کار



پیشگفتار مترجمان

یکی از عوامل سرگردانی معماری دوره‌ی معاصر، رویکردهای متکثر غرب در برخورد با معرفت‌شناسی^۱ معیارها و روش‌های انسانی می‌باشد. که اغلب حتی در دنیای اسلام موجب تردید و عدم بازتعریف بنیان‌های فکری گردیده است. در حالی که تکیه بر ارزش‌های ثابت و تقویت قدرت تخیل، گزینش و تشخیص جوهره‌ی زندگی با معیارهای معرفت‌شناسانه ثابت و جهان شمول راهکاری است که از آن به عنوان حکمت یاد می‌شود. آنچه هنرمند معمار در کار هنری خود انجام می‌دهد فهم حکیمانه انسانی و درک نیازها ظرفیت‌های فضا (صناعت) است. براین اساس معماری را می‌توان شامل فهم حکمت و قدرت صنعت دانست. معمار هنرمند به دنبال حقیقت زندگی است. هدف کار او مجسمه‌سازی نیست بلکه ارائه مطلوب‌ترین شرایط برای زندگی انسان است. از همین نگاه، برای هر معمار شناسایی موجودیت انسان و ظرفیت‌های عالم ضروری می‌نماید. هم‌چنین در جوامع دینی این اعتقاد وجود دارد که انسان دارای یک صورت زمینی آشکار و یک سیرت الهی پنهان است که این دو بر یکدیگر منطبق و غیر قابل تفکیک‌اند. و در نگاهی عمیق‌تر، دو جنبه‌ی کالبدی و روحی یا ظاهری و باطنی می‌باشد. ساحت کالبدی وی بیش‌تر جنبه گیاهی و حیوانی انسان و ویژگی‌های کمی آن را در بر می‌گیرد در حالی که جایگاه انسانی چیزی بیش از کالبد و ظاهر است که ابتدا بلقوه بوده و به تدریج متجلی گردیده و بخش اصلی هویت و شخصیت نمودار می‌سازد.

۱- عموم دلایل سرگردانی در معرفت‌شناسی به تعریف انسان در شناخت‌شناسی غرب و تفاوت آن با مکتب اسلام، که ریشه آن نیز به طور کل به تقابل میان دین و دنیا است، بازمی‌گردد. به همین منظور در نسبت میان دین و دنیا می‌توان مکتب غرب را نماینده نگرش به دنیا و مکتب اسلام را نماینده نگرش به دین دانست. و از آن‌جا که در جهان حاضر تقابل میان این دو اندیشه مطرح است می‌توان در نسبت شناخت و معرفت‌شناسی و ارتقاء بحث به آن‌ها اشاره کرد.

این نوع نگاه در هویت‌سازی جهان هنر و معماری نیز وجود دارد که برگرفته از محتوا و کالبد، باطن و ظاهر می‌باشد. اثر هنری که دارای محتوا و کالبد هماهنگ یک هدف واحد را در برمی‌گیرند تا هدف‌نهایی محقق گردد. چنان چه تعریف درستی از محتوا و کالبد صورت نگیرد، ارزش‌های زودگذر جای هنجارها و ارزش‌های اصیل فرهنگی را خواهد گرفت در نتیجه بحران‌های اجتماعی و رفتاری را در پی خواهد داشت. بنابراین تبیین معیارهای مشخص و واضح که ریشه در بستر فرهنگی جامعه و از همه مهم‌تر ارزش‌های ثابت و معرفت‌شناسانه و جهان شمول دارد، در تمام سطوح و کاربردهای زندگی مانع بحران‌ها خواهد بود.

حکمت اسلامی با تعریف صحیح و جامعی از فلسفه‌ی زندگی و تفکیک حوزه‌های انسان‌ساز به حکمت نظری و عملی و نیز تبیین مصادیق و راهکارهای مشخص علاوه بر هماهنگی میان دو حوزه، اصول حاکم بر هر حوزه را تفکیک نموده و در نزدیک کردن ارتباط میان محتوا و کالبد برای نیل به یک هدف متعال تلاش و تأکید دارد. لذا از منظر اسلامی، معماری مسلمانان همانند سایر وجوه حیات مادی و غیر مادی آن، باید دارای چارچوبی مشخص باشد که متضمن هویت اسلامی است و تبیینی مختلف آن را در عرصه‌های مختلف زندگی بشر ضروری می‌داند.

کتاب حاضر با تأکید بر مبانی شکل‌گیری معماری اسلامی تلاش می‌نماید تا مبانی نظری و بنیان‌های فکری و ارزش‌های معنوی حاکم بر معماری اسلامی را به روشنی بیان و تشریح نموده و برخی مصادیق را در این زمینه ارائه کند.



فهرست

پیش درآمد

۱

فصل اول؛ در مسیر شناخت معماری اسلامی

مقدمه

۳

۳

معنای معماری اسلامی

۳

معماری اسلامی به عنوان یک وسیله، نه یک هدف

۷

دو نمونه: مساجد و خانه های اسلامی

۱۴

خانه

۱۴

مساجد

۱۶

تمرین و آموزش معماری اسلامی در دنیای امروز

۱۷

معماری اسلامی در برابر معماری مسلمانان

۲۴

کاخ قصیر عمره مصداق یک نمونه بارز

۲۶

فصل دوم؛ مبنای نظری معماری اسلامی

مقدمه

۳۱

۳۱

توحید (یگانگی خداوند)

۳۳

جانشینی انسان بر روی زمین

۴۲

رابطه میان انسان و محیط اطراف

۴۴

محیط اطراف در خدمت خداوند

۴۶

مفهوم جانشینی انسان بر روی زمین در معماری

۴۹

کمال (احسان)

۵۵

مفهوم کمال (احسان) در معماری

۵۶

مفهوم اسلام به عنوان مذهبی جهانی و غایی در معماری

۶۶

فصل سوم؛ حضرت محمد(ص) و معماری اسلامی

مقدمه

۷۳

۷۳

اسلام و جامعه

۷۴

۷۷	قرآن و احادیث پیامبر در قالب اساس و بنیاد معماری اسلامی
۸۰	اسلام و طبقه‌بندی فعالیت‌های سازندگی
۸۴	نگرش حضرت محمد(ص) به معماری
۸۶	برخی از احادیث اعتراض‌آمیز حضرت محمد(ص) نسبت به ساختمان‌سازی
۱۰۳	مسجدالنبی، مظهر مساعدت حضرت محمد(ص) نسبت به تکامل هویت معماری اسلامی

۱۲۳ فصل چهارم: معماری اسلامی بعد از حضرت محمد(ص)

۱۲۳	مقدمه
۱۲۵	پیدایش معماری اسلامی و ظهور تمدن اسلامی
۱۳۸	اولین دوره حکومت عباسی‌ها
۱۴۶	معماری اسلامی و اسلامی‌سازی جامعه
۱۵۰	برقراری روابط دوستانه با غیرمسلمانان به‌عنوان بخشی از اسلامی‌سازی جامعه
۱۵۴	«پیش‌درآمدی» بر معماری اسلامی
۱۸۰	اجتناب از انحراف در معماری
۱۸۵	پیروی از دین در مقابل ابداع در تمدن
۱۹۳	معماری مقبره‌ها
۱۹۶	القاء جنبه سیاسی به علم معماری
۲۰۱	کاربرد و قابلیت معماری اسلامی

۲۰۷ فصل پنجم: در مسیر احیای معماری اسلامی

۲۱۳	کتابشناسی
-----	-----------



و همچنین اهل مدین منکر شعیب شدند و موسی را هم انکار کردند، پس کافران را مهلت دادم، پس آنان را به غذایی سخت دچار کردم، بنگر که کیفر و انتقام من چگونه بود؟! چه بسیار شهرها را درحالی که اهلش ستمکار بودند نابود کردیم، پس به سبب نزول عذاب، سقف‌های خانه‌هایشان خراب شد و دیواره‌هایشان بر سقف‌ها فرو ریخته است و چه بسیار چاه‌های پرآب متروک افتاده و کاخ‌های برافراشته بی صاحب مانده است. آیا در زمین به گردش و جستجو نپرداخته‌اند تا برای آنها دل‌های فیهیمی پیدا شود که با آن بی اندیشند، یا گوش‌هایی که با آن اندرزها را بشنوند. حقیقت این است که فقط چشم‌ها که ابزار عبرت است از تماشای امور عبرت‌آموز کور نفی شود، بلکه دل‌هایی هم که در سینه‌ها است بی بصیرت می‌گردد (قرآن، سوره ۲۲: آیات ۴۴-۴۶).

پیش درآمد

اثر حاضر به بحث در مورد ارزش معنوی معماری اسلامی و برخی از پیشرفت‌های اولیه در ارتباط با تکامل هویت آن می‌پردازد. این کتاب از دیدگاهی صرفاً معمارگونه یا بر مبنای علم معماری نگارش نشده است بلکه ماهیت پژوهشی آن بیش از آنکه تجربی باشد، فلسفی و مفهومی است. کتاب به ۴ بخش تقسیم شده است. دو فصل اولیه آن با عنوان‌های «در مسیر شناخت معماری اسلامی» و «مبنای نظری معماری اسلامی» دربرگیرنده مطالبی هستند که می‌بایست در اولین بخش کتاب ارائه شود که این اطلاعات مفهوم و ارزش بعد معنوی معماری اسلامی را نشان می‌دهند. فصول سوم و چهارم به ترتیب تحت عنوان‌های «حضرت محمد (ص) و معماری اسلامی» و «معماری اسلامی بعد از حضرت محمد (ص)» بخش دوم این کتاب را تشکیل می‌دهند که شرایط و عواملی را در جامعه اسلامی نوپا بررسی می‌کند که روند کلی تکامل هویت معماری اسلامی به آنها مربوط می‌شود.

ادوار تاریخی که به آنها پرداخته شده است شامل دوران حیات حضرت محمد (ص)، دوران حکومت چهار خلیفه ارتودوکس (الخلفاء الراشدین)، دوران حکومت بنی‌امیه و اولین دوره حکومت عباسی‌ها که در حدود سال ۸۶۱ میلادی ۲۴۷ هجری به پایان رسیده، می‌باشد. معماری اسلامی در اواخر اولین دوره حکومت عباسی‌ها واقعاً به بلوغ رسید. در این دوره بود که معماری اسلامی به لحاظ تکنیکی و نظری به اوج شکوفایی رسید و در نهایت ویژگی‌هایی نظیر برتری فراگیر هنری، عمومیت، انترناسیونالیسم (عقیده به حفظ و رعایت مصالح

عمومی ملل) و وسعت مفهوم و سبک را کسب کرد که در نتیجه آن استعداد های بی مانند و ویژگی هایی نظیر خلاقیت و نوآوری حاصل شد.

اهداف اصلی این کتاب به شرح ذیل می باشد:

۱- قرار دادن مفهوم معماری اسلامی در بافت فرهنگی و مذهبی متناسب با آن بر اساس معتبرترین منابع موجود در اسلام و تحقیقات اسلامی.

۲- کمک به خوانندگان جهت شناخت ریشه ها، پیشرفت های اولیه، بعد معنوی و ارزش معماری اسلامی.

۳- آشکار ساختن و از بین بردن برخی باورها و سوء تفاهم های نادرست و فراگیر در باب اسلام (به طور عام) و موضوعات مرتبط با معماری اسلامی و برخی از پیشرفت های اولیه (به طور خاص).

۴- کمک به رشد آگاهی اسلامی در میان دانشجویان، محققان، صاحب نظران مسلمان و عموم مردم.

در اوایل سال ۲۰۰۶ به عنوان بخشی از طرح و فعالیت های تحت نظارت کرسی اندیشمندی البخاری^۱ که سعی در ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی دارد، دانشگاه بین المللی مالزی^۲ حامی پژوهشی اینجانب شد که این کتاب حاصل آن پروژه تحقیقاتی می باشد. بنابراین از موسسه البخاری و دانشگاه مالزی کمال تشکر را دارم. همچنین از مرکز تحقیقی دانشگاه اسلامی و بین المللی مالزی به خاطر بررسی حرفه ای و مؤثر این پروژه تحقیقی بسیار سپاسگزارم.

دکتر سپاهیچ عمر

استادیار دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی

1 - al-Bukhari Chair

2 - Kulliyah of Architecture and environmental design

فصل اول؛ در مسیر شناخت معماری اسلامی

مقدمه

فصل اول و دوم این کتاب شامل پیش‌درآمدی بر موضوع «تحول هویت معماری اسلامی» از زمان حیات حضرت محمد(ص) تا پایان اولین دوره حکومت خاندان عباسی می‌شود. در این فصل به مفهوم معماری اسلامی، رویکردها و ویژگی‌های اصلی آن می‌پردازیم. موارد مورد بحث به بخش‌های ذیل تقسیم می‌شوند: (۱) معمای معماری اسلامی (۲) معماری اسلامی به عنوان یک وسیله، نه یک هدف (۳) دو نمونه: خانه‌ها و مساجد اسلامی (۴) تعریف و آموزش معماری اسلامی در دنیای امروزه (۵) معماری اسلامی در برابر معماری مسلمانان (۶) کاخ قصیر عمره.

معنای معماری اسلامی

درباره مفهوم معماری اسلامی بحث‌های زیادی صورت گرفته و کتاب‌های کثیری انتشار یافته است. با این وجود محققان از گذشته تاکنون نظرات متناقضی در این حیطه داشته‌اند که آیا نوعی از معماری وجود دارد که اسلامی نامیده شود و اگر چنین است، مفهوم و ویژگی‌های اصلی چنین رشته‌ای از معماری چیست.

در نظر بسیاری از این افراد، اسلام در قالب یک دین با علم معماری مرتبط نمی‌باشد و معماری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ضروریات زندگی، بسیار واقعی‌تر و پیچیده‌تر از آن است که به یک دین برای مرجعیت نیاز داشته باشد.

پاسخ این معما آن است که معماری اسلامی در قالب یک مفهوم و یک واقعیت ملموس وجود دارد. هر چیز دیگری که غیر از این موضوع بیان شود، نشان از کوتاه‌فکری و بی‌عدالتی وافری نسبت به مذهب اسلام و افرادی دارد که قرن‌ها برای فهم گفتار و کردار اسلامی به سختی تلاش و کوشش نموده‌اند. دین اسلام دارای یک جهان‌بینی جامع و شیوه‌ای کامل برای زندگی است. در آن هیچ بعدی از هستی نادیده گرفته نشده است. پرداختن به اسلام یقیناً به معنای خلق فرهنگ و تمدنی جامع می‌باشد که اثرات ارزش‌ها، آموزه‌ها و مبانی اسلامی را در برخی جوانب بیش‌تر و در برخی جوانب کمتر منتقل می‌کند.

اسلام تنها بر آیین عبادت مذهبی در زمان‌های خاص دلالت نمی‌کند، بلکه برایمان، فلسفه، ایدئولوژی، فرهنگ، تمدن و تمامی سیستم‌های زندگی (مانند سیستم زندگی وابسته به فرد، خانواده و اجتماع) تأکید دارد. علم معماری نیز از این موضوع مستثنی نیست و عقاید اسلامی هستند که روش‌های شکل‌دهی به ساختمان‌های مسلمانان را ایجاد می‌کنند. باید به خاطر داشت که ماهیت اسلام سبب ایجاد انسانیت، هنجارهای اخلاقی اساسی و مبانی کردار مناسب در بخش‌هایی از زندگی می‌شود که به آیین‌های عبادی و مذهبی ارتباط چندانی پیدا نمی‌کند، مانند بخش‌های مربوط به هنر و معماری. طبق این مبانی و راهبردهای کلی، افراد می‌توانند نظام‌ها، آیین‌نامه‌ها، دیدگاه‌ها و روش‌هایی برای درک و تنظیم زندگی دنیوی خود متناسب با نیازها، مذهب و زمان خویش بنا کنند. با توجه به اینکه هر مقطع از زمان دارای مشکلات و چالش‌های مختص به خود می‌باشد، راهکارها و ادراک حاصل شده از مبانی ابتدایی و ارزش‌های دائمی زندگی، می‌توانند تا حدودی متفاوت باشند. هر چند به خاطر یکنواختی و ثبات منشأ الهی‌ای که از آن سرچشمه گرفته‌اند، درون‌مایه و جوهر آنها همیشه یکسان باقی خواهد ماند. اسلام بر پایه ماهیت ذاتی انسان استوار است و این ماهیت همیشه ثابت است و در بعد زمان و مکان دستخوش تغییر نمی‌گردد. در واقع این ساختارهای خارجی هستند که دگرگون می‌شوند و تغییر می‌کنند، در حالی که اصول اولیه، ارزش‌های پایه‌ای و ماهیت ذاتی انسان به همراه نیازهای اولیه بشر دست‌نخورده باقی می‌مانند.

بنابراین، چگونه می‌توان به درک درستی از معماری اسلامی دست یافت؟

معماری اسلامی، شاخه‌ای از علم معماری است که عملکردهای آن و در مقیاس کوچک‌تر ساختارهای آن در ابتدا از دین اسلام نشأت گرفته است. در حقیقت این علم چارچوب و مبنایی برای به تصویر کشیدن اسلام است. عبادت و بندگی مسلمانان را تسهیل نموده و آن را به تصویر می‌کشد و این عبادت و بندگی به نوبه خود برای تک‌تک لحظات زندگی اولیه‌شان (منظور زندگی دنیوی است) محاسبه خواهد شد. معماری اسلامی تنها در ظل توجه و شناخت اسلامی از خداوند، انسان، طبیعت، زندگی، مرگ و جهان پس از مرگ به وجود خواهد آمد. بنابراین معماری اسلامی نه تنها یک ابزار بلکه یک نمود فیزیکی برای عینیت بخشیدن به پیام اسلامی می‌باشد. در عمل معماری اسلامی نماینده دین اسلام

است که توسط مسلمانان به واقعیت تبدیل شده و به تصویر کشیده شده است و همچنین نشان دهنده هویت فرهنگ و تمدن اسلامی است.

ابن عبدون^۱ قاضی آندلسی در قرن ۱۲ بود که استفانو بیانکا^۲ به نقل از او چنین ذکر کرده است: «تا جایی که به علم معماری مرتبط است، می توان آن را مآمن و پناهگاهی برای روح و جسم انسان در نظر گرفت که در آن پناه می گیرند تا به آرامش برسند»^۳. به عبارت دیگر، معماری ظرف زندگی افراد است. همچنین عفیف باهناسی به نقل از ابن قتیبه، محقق مسلمان قرن نهم، خانه و محل زندگی را با یک پیراهن مقایسه نموده است و اظهار داشته همان طور که پیراهن باید متناسب و اندازه صاحبش باشد، خانه نیز می بایست متناسب و درخور ساکنینش باشد^۴. این بدان معنا است که زیبایی و کارآمدی خانه باید پاسخگوی نیازها و توانایی های صاحبانش باشد و این دو می بایست به طور کامل یکدیگر را پوشش دهند.

هسته معماری اسلامی را کاربرد و ابعاد آن تشکیل می دهند، نظیر ابعاد: مادی، فکری و معنوی. فرم و ساختاری که متفاوت از عملکردش باشد، غیرمنطقی به نظر می رسد. هر چند این موضوع به آن معنا نیست که ساختار جایگاهی در معماری اسلامی ندارد. بلکه ساختار نقش بسیار اساسی ای را در معماری اسلامی ایفا می کند، اما این نقش در واقع به عنوان پشتیبانی عمل می کند که سبب تکمیل و ارتقاء عملکرد می شود. ساختار حائز اهمیت است، اما از نظر ارزش و اساس همیشه بعد از عملکرد و حوزه گسترده آن در نظر گرفته می شود. البته می بایست میان ایده آل های تشکیل دهنده اساس ساختار ساختمان ها و ایده آل های تعیین کننده عملکرد آنها روابط نزدیکی برقرار باشد تا به واسطه آن ها، ساکنین ساختمان ها به آسایش و راحتی برسند. وجود شکاف یا تضاد میان این دو مورد منجر به ایجاد تعارضی گسترده در روان ساکنین ساختمان ها می شود. بدین ترتیب، نقش ساختار و نقش عملکرد به سطحی برابر می رسند.

دلیل تأکید بر کلمه «عملکرد» صرفاً آن است که دین اسلام نه تنها دینی برای ایمان و فلسفه مطلق می باشد، بلکه مذهب کردار، گفتار و استراتژی های ملموس زندگی هم هست. کلمه «اسلام» به معنای «فرمان برداری» است که دربرگیرنده عملی مداوم و همه جانبه می باشد. دین اسلام، مذهبی از نشانه ها، شعائر (شعارها) و لحاظی نیست. اسلام سبب به وجود آمدن تعادلی شگرف میان بعد مادی و معنوی موجود میان این جهان و جهان پس از مرگ و درنهایت میان نیازهای فردی، جمعی و پیشرفت اجتماعی می شود. اسلام به معنای اعتقاد کامل و مستحکم به خداوند می باشد، همچنین دربرگیرنده ایمان به دیگر حقایق ملزوم جهان مادی و معنوی و انجام اعمال نیک تحت هرگونه شرایطی می باشد. پرداختن به هر جنبه از دین اسلام بدون توجه به بعد دیگر مانع رسیدن به رستگاری می شود. این دو جنبه از دین اسلام می بایست به صورت کامل با یکدیگر درآمیزند، در آن صورت است که «اسلام» نامیده می شوند، در عوض دین اسلام می بایست با نیروی زندگی بخش مفهوم متعالی تری به نام «احسان» درهم تنیده شود. در حالت عادی محکم کردن پایه های اعتقاد آن چیزی

1 - Ibn Abdun

2 - Stefano Bianca

۳- استفانو بیانکا، ساختار شهری در جهان اعراب (لندن؛ نیویورک: تیمز و هادسون، ۲۰۰۰)، صفحه ۲۲.

۴- عفیف بهاناسی، معماری اسلامی و مشخصات آن در برنامه آموزشی. <http://www.isesco.org.ma/pub/Eng/IsIarch/P2.htm>

است که فرد معتقد در وهله اول انجام می دهد و بعد از آن به انجام اعمال نیک روی می آورد. رابطه میان این دو «سببی» است که در آن متغییر اولیه یعنی عقیده همیشه «علت» و متغییر بعدی یا همان عمل «معلول» است. هیچ فردی وجود ندارد که علی رغم داشتن اعتقاد، از انجام اعمال نیک دوری ورزد. همچنین هیچ فردی وجود ندارد که اعمال اسلامی را انجام دهد ولی هیچ اعتقادی به اسلام نداشته باشد. تنها راه رسیدن به احسان (برتری جامع)، وجود یک رابطه قوی میان اعتقاد و اعمال نیک است.

بنا به گفته حضرت محمد(ص)، بینش یک فرد معتقد و باایمان بسیار خاص است، زیرا او به هر چیز با نور الهی می نگرد.^۱ رسیدن به چنین نگرشی، یعنی مشاهده اشیاء و وقایع با نور الهی، هدفی غائی است که اسلام سعی در به وجود آوردن آن در پیروانش دارد. هنگامی که آنها به چنین مرتبه ای برسند تنها به شنیدن و دیدن خوبی ها، گفتن و انجام دادن کارهای نیک و درست و فکر کردن راجع به آنچه که مفید و سودمند است، اشتیاق دارند.

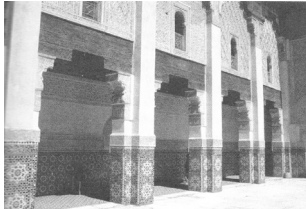
در همین زمینه، البخاری به نقل از ابوهریره بیان کرده است که خداوند به حضرت محمد(ص) چنین فرموده است: «بنده من بیش از هر چیز به واسطه انجام آنچه که دوست دارم به من نزدیک می شود که همانا انجام وظایف دینی است که به او ارزانی داشته ام. بنده من با انجام اعمال نیک بسیار زیاد پیوسته به سمت من می آید به گونه ای که در نهایت او را آن گونه که شایسته است مورد محبت خود قرار می دهم. هنگامی که بنده ام مهر مرا دریابد، من گوشی هستم که با آن می شنود، چشمی هستم که با آن می بیند، دستی هستم که با آن ضربه می زند و پایی هستم که با آن راه می رود. هرگاه از زمین چیزی بخواهد، قطعاً به او می دهم، اگر از من پناه بخواهد، قطعاً به او پناه می دهم. آن قدر که در گرفتن روح بنده معتمد مکث می کنم، درباره هیچ چیزی مکث نمی کنم؛ او از مرگ متنفر است و من از آسیب زدن به او متنفرم.^۲ در تفسیر دیگری از همین حدیث این گونه بیان شده است: «من قلبی هستم که با آن حقایق را درک می کند، زبانی هستم که با آن سخن می گوید».

قطعاً در اینجا اهمیت حقیقی معماری اسلامی نهفته است، زیرا معماری اسلامی نه تنها شرایط زندگی به سبک اسلامی را به واسطه طرح آن مهیا می کند، بلکه سبب تسهیل و افزایش ارزش آن می شود و درعین حال کاربران و شاهدان معماری اسلامی را به داشتن چنین سبکی از زندگی که بر مبنای احترام و ملاحظه استوار است، تشویق می کند. معماری اسلامی زمینه ای برای اجرای اسلام و وسیله ای برای ارتقا و پیشرفت آن می باشد. این موضوع در تمامی زمینه های معماری نظیر «مشاهده و تجسم، مبحث زیبایی شناسی، طراحی، اجرا و بهره برداری» صورت می گیرد. علاوه بر این، این کار از طریق برنامه های کارآمد و نوآورانه، طراحی ها و راه حل های ساختمانی صورت می گیرد که در حقیقت هیچ گاه پایان نمی پذیرد، علت آن فرصت های بی شماری است که از طریق یکپارچگی دین اسلام یا از طریق اتحاد میان بعد مادی و معنوی، میان احتیاجات کاربردی و زیبایی شناسی مردم، میان بهشت و زمین در تمامی بخش های زندگی ارائه شده است.

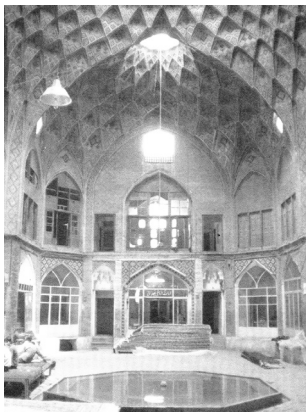
۱- مختصر تفسیر ابن کثیر، مؤلف محمدعلی الصابونی، (بیروت: دارالقرآن الکریم، ۱۹۸۱) جلد دوم، صفحه ۳۱۶.
۲- چهل حدیث قدسی، <http://www.usc.edu/dept/MSA/Fundamentals/hadithSunnah/hadithqudsi.html>



مسجد جامع سنانیه واقع در دمشق، سوریه



مدرسه بن یوسف واقع در شهر مراکش، مراکش



کاروانسرای در شهر کاشان، ایران

معماری اسلامی سبکی است که از خداوند و دین او تجلیل می‌کند. انسان را به‌عنوان مخلوقی دنیوی و مادی، خوار و زبون جلوه می‌دهد و درعین حال از جایگاه بلندمرتبه او به‌عنوان جانشین خداوند بر روی زمین و مأموریت ارزشمندش تجلیل می‌کند. تصویر کلی معماری اسلامی شبیه هر چیزی است که عنوان «اسلامی» را دربرمی‌گیرد، مانند مفاهیم «شهر اسلامی»، «هنرهای اسلامی»، «مسکن اسلامی»، «جامعه اسلامی»، «دانشگاه اسلامی» و غیره. عملکردهای اصلی تمامی این پدیده‌ها متمرکز بر خصیصه‌های موجود در اسلام می‌باشد. به عبارت دیگر همگی آنها عوالم صغیر تعالیم اسلامی هستند. نقش‌های چندگانه‌ای که این پدیده‌ها در جامعه دارند علی‌رغم داشتن پیویایی، ابتکار، سبکی جدید و طرحی کاربردی، همیشه با راهنمایی و دین الهی در تناسب هستند.

نگرش کل‌گرایانه آنها به چالش‌های بی‌شمار زندگی از همزیستی و تجانس میان ایمان اسلامی و یک دیدگاه منصفانه، عملی و شجاعانه به زندگی نشأت می‌گیرد.

طبق چنین اظهاراتی، استفاده از صفت «اسلامی» قبل از پدیده‌هایی که تنها به صورت سطحی به تعالیم اسلامی و سیستم ارزشی آنها اشاره می‌کنند، کاملاً نادرست می‌باشد. چنین عباراتی سبب سردرگمی و فهم نادرست درباره اسلام و پیروان آن می‌شود.

به‌عنوان مثال بسط دادن مفاهیمی نظیر «کاشی‌های اسلامی»، «الگوهای اسلامی»، «لباس‌های اسلامی»، «درب و پنجره اسلامی» و... نادرست می‌باشد.

معماری اسلامی به‌عنوان یک وسیله، نه یک هدف

معماری اسلامی به دلیل وجود دین اسلام به وجود آمده است. علاوه بر این، به روش‌های مختلفی اهداف بزرگ دین اسلام را به ثمر می‌رساند و همچنین معماری در جهت تحقق اهداف مسلمانان نیز هست زیرا به انجام موفقیت‌آمیز وظیفه جانشینی بر روی زمین به آنها کمک می‌کند. معماری اسلامی به جای مانع شدن، در مسیر دستیابی به آنچه که مسلمانان برای آن خلق شده‌اند، به آنها کمک می‌کند. در حقیقت، معماری اسلامی بازنمود دین اسلام است و به عبارت بهتر، دین اسلام و مسلمانان از آن جدایی ناپذیر هستند. معماری اسلامی با ورود و ظهور دین اسلام در عرصه جهان آغاز گردید و با وجود آنکه هرگز در گذشته وجود نداشت، افرادی که به شکل دادن و تثبیت هویت آن کمک کردند در مکان‌هایی زندگی می‌کردند که قرن‌ها قبل از ظهور اسلام وجود داشتند و دارای فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی مختص به خود بودند.

در حقیقت مطالعه معماری اسلامی هرگز نمی‌تواند خارج از چارچوب کلی اسلام نظیر پیدایش، تاریخچه، خصیصه، جهان‌بینی، تعالیم، قوانین و عملکرد آن باشد. هر رویکردی که توسط هر فرد در هر برهه از زمان برای جدایی معماری اسلامی از آنچه که بر ساختار و مفهوم آن حاکم است، صورت گیرد درنهایت به شکست می‌انجامد و حتی در برخی مواقع

سبب تحریف تصویر واقعی کل موضوع می‌شود که به موجب آن، تصویر حقیقی اسلام نیز خدشه‌دار خواهد شد.

معماری اسلامی در عین حال که تعالیم و عقاید اسلامی را از طریق سلسله مراتب عملکردها و نقش‌ها ترسیم نموده، ذات و سرشتی منحصر به فرد خود را نیز تکامل بخشیده است. تنها افرادی که زندگی آنها به وسیله تعالیم و آموزه‌های مشابهی (مانند معماری اسلامی) متحول و هدایت شده است، مفهوم چنین ذات و سرشتی را به بهترین نحو درک می‌کنند و ارزش آن را می‌دانند. علاوه بر این، این موضوع به معنای آن است که اگر فردی بخواهد که واقعاً مفهوم و ارزش معماری اسلامی را بداند، در وهله اول می‌بایست دانشی جامع از اسلام داشته باشد، اسلامی که ارزش‌ها و مفاهیم آن مشخص است. در قدم بعدی فرد می‌بایست خود را برای مدتی از قید و بندها رها سازد و تا جایی که می‌تواند از آنچه که قبلاً درباره معماری اسلامی دانسته و شنیده است فاصله بگیرد، و در نهایت برای بررسی کلیت موضوع آن به مانند یکی از استفاده‌کنندگان معماری اسلامی وجود دارد را احساس کند. می‌بایست با استفاده از معنوی‌ای که در حیطه معماری اسلامی وجود دارد تلاش و همت کند. اگر فردی بخواهد فضای حساس و تجربه‌های عملی شخصی در این مسیر قدم بگذارد و سعی و تلاش خود را به کار گیرد.

ارزش و درک معماری اسلامی نباید به یک یا برخی از جنبه‌های آن و به یک برهه خاص از زمان محدود شود. در عوض، علایق و افکار یک فرد می‌بایست تمامی جوانب و ابعاد آن را دربرگیرد و در این فرآیند پویایی و سرزندگی جالب توجه آن را که صرفاً محدود به بُعد زمان و مکان نمی‌باشد لحاظ کند. در آخر، هر رویکردی که فرد در تحصیل معماری اسلامی به کار گرفته است، نباید آن را از بافت و ساختاری که پیدایش، شکوفایی، نفوذ و حیات آن را تحت کنترل دارد، جدا کند. معماری اسلامی می‌بایست به عنوان پدیده جهان انقلابی در نظر گرفته شود، پدیده‌ای که جامع، همه‌جانبه، همیشگی و آشکار است و استانداردها و ارزش‌ها سبب شکوفایی آن می‌شود. این پدیده به مانند دیگر سبک‌های متداول در معماری، به شرایط آب و هوایی، جغرافیایی و فرهنگی واکنش نشان می‌دهد ولی با این وجود هیچ‌گاه آنها را از ضرورت نظم بالاتر جدا ندانسته است.

معماری اسلامی از یک طرف به وسیله مهارت، خلاقیت و خیال‌پردازی و از طرفی دیگر به وسیله ترکیب منحصر به فرد اهداف کاربردی و غیر کاربردی (زیبایی‌شناسی)، نیازهای مادی، معنوی و روانی بشر را حتی به اندازه یک مواز یکدیگر جدا نکرده است و هیچ دسته‌ای از نیازها را به بهای نادیده گرفتن دیگری اولویت ننهاده است.

طبق تمامی این موارد، ام.ای.جی.بگ^۱ به نقل از آلفرد فرازر^۲ درباره ماهیت اساسی معماری اسلامی چنین گفته است: «معماری اسلامی بیان یک مذهب می‌باشد و دیدگاه جهانی آن را نشان می‌دهد و به تشریح موقعیت افراد خاص یا سیستم اقتصادی و سیاسی نمی‌پردازد».^۳ در همین رابطه فردی به نام تیتوس برک هارد^۴ عنوان کرده است «عجیب نیست که

1 - M.A.J. Beg

2 - Alfred Frazer

۳- هنرهای مستظرفه در تمدن اسلامی، ویرایش شده توسط M.A.J.Beg، (کووالامپور: انتشارات دانشگاه مالزی، ۱۹۸۱)، صفحه ۱۶ (مقدمه).

4 - Tutus Burekhardt

ظاهری ترین نمود اسلام در قالب یک مذهب و تمدن، درونی ترین موضوع آن را به شیوه خود بازتاب می‌کند».^۱

وی همچنین اظهار داشته است که: «اگر فردی به دنبال پاسخ سؤال، «اسلام چیست؟» می‌باشد، به راحتی می‌تواند با اشاره به یکی از شاهکارهای هنر اسلامی مانند مسجد قرطبه یا مسجد ابن طولون در قاهره یا یکی از مدرسه‌های موجود در شهر سمرقند به این سؤال پاسخ دهد و این پاسخی قانع‌کننده است زیرا هنر اسلامی چنانکه از اسمش برمی‌آید ماهیت خود را بدون ابهام بیان می‌کند».^۲

عفیف بهاناسی^۳ درباره رابطه میان اسلام و معماری اسلامی و میزان تأثیر اسلام بر معماری اسلامی چنین نوشته است: «عقیده و ایمان اسلامی سبب شکل‌گیری معماری اسلامی در دو زمینه هنری و تکنیکی شد، و به آن ویژگی یکپارچه‌ای بخشید که سبب توصیف آن در تمامی دوره‌ها شد. با این وجود سنت‌ها، گویش‌ها و فرهنگ‌های متفاوت افرادی که در سراسر دنیا (از چین در شرق تا اقیانوس اطلس در غرب) به اسلام روی آوردند به حرفه معماری تنوع بخشید، این کار به وسیله تمسک به اصل کارآمدی صورت گرفته است. به عنوان مثال رومی‌ها و یونانی‌ها، دارای سبکی استاندارد برای انواع ساختمان‌ها بودند، درحالی‌که معماری اسلامی همیشه در تلاش برای ساخت ظاهری متناسب با عملکرد ساختمان‌ها یا خانه مسکونی متفاوت است. معماری مسجد با نوع معماری مدرسه، بیمارستان، گورستان و خانه مسکونی متفاوت می‌باشد و احتمال اینکه با دیدن فرم ظاهری یک ساختمان، عملکرد آن اشتباه گرفته شود، بسیار کم است. ارزش یک ساختمان متناسب با عملکردی است که برای آن تعیین شده است. یک خانه مسکونی هنگامی بدون نقص و کامل است که رسالت اش را به نحو احسن انجام دهد: تأمین امنیت و آرامش».^۴ در اینجا می‌توان از لوکوربوزیه^۵، به عنوان فردی سخنور در حوزه احاطه معماری بر افکار، تجارب و احساس، جمله‌ای را نقل کرد: «یک معمار به واسطه آرایش ساختمان‌ها نظم را درک می‌کند که آفرینش خالص روح خودش است؛ او از طریق ساختارها و شکل‌ها تا میزان زیادی بر حواس ما تأثیر می‌گذارد و احساسات لطیف ما را تحریک می‌کند؛ به وسیله روابطی که خلق می‌کند، پژواک عمیقی را در ما طنین‌انداز می‌کند، او به ما مقیاس نظم را می‌دهد که احساس می‌کنیم با نظم دنیای ما مناسبت دارد، حرکات متناوب قلب و فهم ما را مشخص می‌کند، درنهایت به آنچه که «احساس به زیبایی» تلقی می‌شود، می‌رسیم».^۶

اگرچه لوکوربوزیه به سبک یا نگرش خاصی از معماری اشاره نمی‌کرد، اما واضح و آشکار است که در نظر او، هر نمونه‌ای از هنر معماری به وسیله ایدئولوژی گسترش یافته است که به واسطه تجلی فیزیکی آن به کاربران می‌پیوندد و به شدت بر احساسات آنها تأثیر می‌گذارد. به همین علت انتظار می‌رود که همیشه یک رابطه بسیار نزدیک میان مردم و سبک معماری آنها وجود داشته باشد. از این رو، به نقل از جان.اس. رینولدز^۷ عنوان شده است «هنگامی که

۱- تیتوس برک‌هارد، هنر اسلام، (لندن: نشریه جشنواره اسلامی جهان، ۱۹۷۶)، صفحه ۱.

۲- به منبع قبلی مراجعه شود، صفحه ۱.
3 - Afif Bahanassi

۴- عفیف بهاناسی، معماری اسلامی و مشخصات آن در برنامه آموزشی.

<http://www.isesco.org.ma/pub/Eng/IsIarch/p2.htm>.

5 - Le Cornusier

۶- لوکوربوزیه، در مسیر معماری جدید، ترجمه شده از سیزدهمین نسخه فرانسوی به همراه یک پیش درآمد از فردریک اتچلس (آکسفورد، انتشارات آموزشی و حرفه‌ای رید (Reed)، ۱۹۸۹)، صفحه ۱.

7 - John S. Reynolds

افراد رابطه عاطفی خود را با ساختمان‌هایی که ساکن آن هستند، از دست می‌دهند، معماری به پایان رسیده است»^۱.

طبق کتاب شرح حال سینان^۲، معمار سرشناس دوران طلایی عثمانی‌ها و بسیاری دیگر ویکی از بزرگ‌ترین معماران تمدن اسلامی، چنین برداشت می‌شود که رابطه عاطفی بسیار عمیقی میان او و ساختمان‌هایی که طراحی می‌کرده، برقرار بوده است و او امیدوار بوده که مردم نیز همین رابطه را با ساختمان‌ها برقرار کنند. به عنوان مثال درباره یکی از شاهکارهایش به نام مسجد سلیمانیه که هم‌اکنون نیز پابرجاست و سبب جذب عبادت‌کنندگان و جهانگردان به استانبول می‌شود، چنین اظهار داشته است: «طاق‌های زیبای آن به مانند گنبد‌های بهشت و ابروی زیبارویان، چشم‌های متخصصان را به خود خیره کرد. هریک از سنگ‌های مرمر رنگارنگ آن در دنیا بسیار معروف بودند و به عنوان یادگاری از سرزمین‌های مختلف آورده شده بود.

هریک از درب‌ها و اثاثیه‌های چوبی که هنرمندان طراحی و ساخته شده بودند، با زینت‌هایی از صدف مروارید به مانند برگ‌های کتاب ارزشمند ساخته شده بودند (ارژنگ کتاب معروف پارسی است که دارای نقاشی‌هایی است که به علت ظرافت و دقت هنری، به عنوان اثری بی‌مانند شناخته شده است). به گونه‌ای که مورد تحسین بزرگان زمان قرار گرفت و توسط مردمان تمامی سرزمین‌ها ارزشمند خطاب گردید. منبر سایه‌بان دار و تخت ستون‌دار آن، یادگاری و هدیه‌ای از یک هنرمند با مهارت بود که به عنوان یک الگو در دنیا باقی ماند. در هیچ کجای چرخ گردون همانند آن دیده نشده و نخواهد شد.

گنبد‌های آن مسجد جمعه، به مانند حباب‌های دریای لطافت و زیبایی هستند و بالاترین گنبد آن به مانند ملکوت دوار است.

گلدسته طلایی که بر روی آن می‌درخشد به مثابه خورشید نورانی می‌باشد. مناره‌ها و گنبد آن به مانند معشوق برگزیده (حضرت محمد(ص)) و چهار دوست (چهار جانشین برحق) هستند. پنجره‌های تزئینی آن که بی‌مانند هستند بال‌های جبرئیل را به تصویر می‌کشند.

هنگامی که به واسطه تابش نور خورشید، درخشان می‌شوند، به مانند یک باغ زیبا از گل‌های رز در فصل بهار درمی‌آیند، پرتوهای گنبد لاجوردی، طرح‌های رنگین‌کمانی آن را آشکار می‌کند. یاقوت، شنجراف، سنگ گوهر و زنگار مس در طراحی و تزئین این نمونه بی‌مانند به میزان زیادی استفاده شده‌اند. طرح‌های زیبا و جذاب آنها مورد طراحی قرار گرفته‌اند، و شکوه این طرح‌ها سبب تحیر چشم‌هایی می‌گردد که با بینش به آنها نظر می‌کنند»^۳.

معماری اسلامی به معنای روندی است که از ساخت یک هدف آغاز می‌گردد، با برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت مراحل ادامه می‌یابد و با رسیدن به مجموعه نتایج و چگونگی استفاده و بهره‌برداری افراد از آنها به پایان می‌رسد.

۱- جان. اس. رینولدز، محوطه‌ها: مبحث زیبایی‌شناسی، اجتماعی و گرمایی؛ (نیویورک: جان ویلی و سانس، به ثبت رسیده در سال ۲۰۰۲)، صفحه ۴۱.

۲- خودزیست‌نامه سینان، پنج متن از قرن شانزدهم، یادداشت‌های آغازین، ویرایش نقدی و ترجمه توسط هوارد کرین و اسرا آکین، ویرایش شده توسط گلو نیسپگلو، (Leiden, Koninklijke NV, Sinan; 2006).

۳- همان مرجع، صفحه ۱۲۴-۱۲۳.



مسجد سلیمانیه، استانبول، ترکیه،
بزرگ‌ترین شاهکار سینان

معماری اسلامی ترکیب مناسبی از تمامی این مراحل است که با بینش اسلامی و سیستم ارزشی مشترک درهمی آمیزند. جدا کردن یک مرحله در این روند و مهم‌تر لحاظ کردن آن نسبت به دیگر مراحل تقریباً غیرممکن می‌باشد.

علت چنین موضوعی آن است که این ویژگی معنوی معماری اسلامی با نقش اجتماعی و آموزشی آن در هم می‌آمیزد، به گونه‌ای که محققان دین اسلام هرگز از هدف قرار دادن برخی از مسائل مربوط به ابعاد گوناگون معماری خانه، مسجد و همگانی در حوزه فقه اسلامی سرباز نزده‌اند. مسائل مختلف تحت عنوان‌های متفاوتی مورد بحث قرار گرفته‌اند مانند: احکام قانونی در رابطه با همسایگان و محله‌ها (احکام الجوار)، مصالحه و آشتی (الصلح) میان همسایگان دیواربه‌دیوار و تمامی ساکنین یک محله، حقوق فردی و جمعی افراد، ممنوعیت تحمیل ضرر (ضرار)، احکام قانونی مربوط به ساختمان‌ها (احکام البناء)، امکانات و سرویس‌های عمومی (المرافق). تمامی این مسائل بدون شک در ساخت هویت معماری اسلامی نقش حائز اهمیتی دارند. همگی این مسائل به طور مستقیم یا غیرمستقیم به درک، طراحی، شکل‌دهی و استفاده از معماری اسلامی مربوط هستند.

به دلیل آنکه علم معماری هنر مردم می‌باشد، به میزان زیادی بر حالات و مشغله‌های روزمره زندگی آنان تأثیر می‌گذارد. همین مسائل در زمینه معماری به عنوان بخشی از آثار جامع دایره‌المعارفی در حوزه فقه اسلامی بررسی و مطالعه می‌شوند.

علاوه بر این، آثار نسبتاً زیادی، توسط فقهای معروف در زمینه فقه اسلامی نوشته شده است، اما همگی آنها منحصرراً مسائلی هستند که به هرنحوی به ساختمان مربوط می‌شوند.

دو نمونه از معروف‌ترین عنوان‌های چنین آثاری بدین شرح است: «توضیح قوانین ساختمان» اثر ابو عبدالله بن الرامی (متوفی: ۱۳۳۴)، «کتاب دیوارها» اثر حسام‌الدین عمر. عبدالعزیز البخاری (متوفی: ۱۱۴۱). هر دو کتاب با توجه به فقه اسلامی نوشته شده‌اند و بر احکام شرعی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به ساختمان‌ها و امکانات و سرویس‌های عمومی مربوط می‌شوند، تمرکز کرده‌اند.

آثار دایره‌المعارفی مربوط به فقه اسلامی، عملاً تمامی چیزهایی را مورد بحث قرار می‌دهد که ممکن است مسلمانان آنها را انجام دهند، نظیر مسائل مربوط به ساختمان‌ها که در نهایت یک راهنمایی و مساعدت آشکار نسبت به سمت و سوی زندگی را به آنها ارزانی می‌دارد. در این روش یک پیام بسیار مهم انتقال داده می‌شود. بدان معنی که معماری اسلامی و معنویت اسلامی را نمی‌توان از چالش‌ها و مشکلات زندگی واقعی مردم نمی‌تواند جدا کرد (قسمتی از آن در یک جهان و قسمتی دیگر در جهانی کاملاً متفاوت وجود دارد). علاوه بر این، معماری اسلامی می‌بایست زنده، واقعی و پویا باشد، تا بتواند یک نقش مهم در غلبه و حل مشکلات و چالش‌های مردم داشته باشد.

علم معماری فقط متعلق به قشر مرفه جامعه نمی‌باشد و طیف محدودی از سلیق را

دربر نمی‌گیرد. بلکه متعلق به تمامی قشرهای جامعه می‌باشد و سلیق و نیازهای گسترده و گوناگونی را دربر می‌گیرد. واضح است که معماران و مهندسين ساختمان، خادمان متواضع و فروتن جامعه هستند. آنها می‌بایست کاملاً و منحصراً پاسخگوی مردم جامعه‌شان باشند. در مقابل، مردم به عنوان قاضی وظیفه دارند که خوبی یا بدی معماری آنها را قضاوت کنند، درباره تأثیر گذاشتن یا نگذاشتن معماری آنها بر فعالیت‌های زندگی‌شان نظر بدهند و کاربردی بودن و راحت بودن یا نبودن آن را بررسی کنند. معماران نیز اگر بخواهند که براعتبار حرفه‌ای و موقعیت اجتماعی خود بیافزایند، می‌بایست به مردم گوش دهند و نظرات آنها را لحاظ کنند. چنانچه برخلاف این موضوع انجام دهند خیانت به حرفه معماری و اعتماد مردم نسبت به معماران محسوب خواهد شد.

اما با انجام آن یک رابطه بسیار صمیمی و مسئولانه میان معماران و مردم به خاطر روابط نزدیک آنها ایجاد می‌شود. این عمل مردم را قادر می‌سازد تا هنگامی که نوبت به معماری مساکن خودشان می‌رسد، به جای نقش منفعل، بی‌طرفانه و یا صامت، نقشی فعال و مشارکت‌مندانه را ایفا کنند چرا که در واقع آنها مخاطبان و مشتریان اصلی آن هستند.

قطعاً به خاطر تمامی این مسائل، برخی از مسائل مهم و حیاتی در زمینه ابعاد معماری اسلامی، اغلب در حوزه مکتب حسبه (حساب) به بحث گذارده می‌شود.^۱

ماهیت این مکتب، مذهبی و اجتماعی می‌باشد و به دنبال حفاظت از منافع افراد جامعه بدون در نظر گرفتن اینکه منافع مربوط به مسائل کاملاً معنوی یا کاملاً مادی و دنیوی هستند، می‌باشد. حسبه نهادی تحت کنترل دولت است که به افراد وظیفه پیوستن به حق را هنگامی که آن را فراموش می‌کنند، گوشزد می‌کند و همچنین هنگامی که در یک کار نادرست شرکت می‌کنند، آن را قدغن اعلام می‌نماید. هدف چنین نهادی حفظ جامعه از انحراف، حفاظت از ایمان و تضمین آسایش و رفاه مادی و معنوی مردم با توجه به احکام خداوند است. خداوند امر به معروف و نهی از منکر را با توجه به دامنه اطلاعات و توانمندی‌های هر فردی اجباری قرار داده است.^۲

معماری اسلامی از ظاهرپرستی (در دین)، عدم انعطاف‌پذیری و نمادگرایی واقعی در رابطه با حوزه‌های ساختمانی به دور است. اگر دین اسلام، یک چارچوب مفهومی و ذهنی برای معماری به مسلمانان ارائه دهد، به گونه‌ای که این چارچوب جهان‌بینی اسلامی و آموزه‌های اساسی اسلامی را دربرگیرد، هرگز به این معنی نیست که آزادی خلاقیت و طراحی از مسلمانان گرفته یا سلب شده است. در عوض حس آزادی آنها در زمینه طراحی و خلاقیتشان تحریک می‌شود و به کسب موفقیت از طریق اهداف مشترک تشویق می‌شوند، تنها با یک تفاوت که احکام الهی، توسعه و بهره‌برداری از آنها را زیر نظر دارد تا مبادا اشتیاق و تصورات افراد در برخی مواقع به گمراهی کشیده شود، زیرا این امر برای خوشبختی و رستگاری بشر نیز خطرناک است.

۱- ولید عبدالله المونس، الحسبه، علی المدون والعمران، (دانشگاه کویت، کویت: ۱۹۹۵) صفحه ۱۰۸-۶۵.

۲- مکتب حسبه. <http://islamic-world.net/economics/hisbah.htm>

آنچه که سبب شکل‌گیری معماری اسلامی می‌گردد، برخی ابعاد پنهانی ساختمان‌ها هستند که ممکن است خود را به‌طور کامل یا تا حدودی در ظاهر فیزیکی فضای ساخته‌شده، نشان دهند.

جوهره معماری اسلامی به خاطر ثبات حکمت و ارزش‌هایی جهانی که سبب پیشرفت آن شده است، همیشه یکسان بوده است. آنچه که تغییر کرده است شامل روش‌ها و اهدافی می‌باشد که به‌وسیله آنها، افراد چنین حاکمیت و ارزشی را درک می‌کنند و با توجه به شرایط طبیعی و انسانی‌شان آنها را به کار می‌گیرند.

چنین تغییرات یا پیشرفت‌هایی را می‌توان به‌عنوان کاربردی‌ترین راه‌حل برای چالش‌هایی که مردم با آنها مواجه هستند، در نظر گرفت. به‌عنوان مثال مساجدی که حضرت محمد(ص) بنا کرد با وجود تفاوت‌های اساسی در ظاهر، داری معنا و مفهومی برابر با مسجدهایی بود که در طول تاریخ ساخته‌شده‌اند و هم‌اکنون نیز ساخته می‌شوند.

علیرغم جود تفاوت‌های اساسی در مهارت، مهندسی و تکنولوژی ساخت خانه، اساس خانه‌هایی که حضرت محمد(ص) آنها را بنا می‌کرد به‌مانند دیگر خانه‌های اسلامی بود که در هر برهه از تاریخ و در هر قسمت از جهان ساخته‌شده‌اند. این موضوع درباره دیگر ابعاد فضاهای ساخته‌شده به سبک اسلامی نیز صدق می‌کند.

استفانو بیانکا^۱ در رابطه با میزانی که معنویت اسلامی بر معماری اسلامی تأثیر گذارده، چنین گفته است: «در مقایسه با سنت‌های مذهبی دیگر، ویژگی منحصر به فرد اسلام این است که به‌وسیله قرار دادن فعالیت‌های مذهبی در زندگی روزمره افراد و جامعه به سیستم یکپارچه و جامع فرهنگی، زندگی بخشیده است. درحالی‌که اسلام مفاهیم قراردادی معماری را تعیین ننموده، اما به‌واسطه ارائه ماتریکسی از الگوهای رفتاری که در مواقع لزوم الگوهای فیزیکی مرتبطی را به وجود می‌آوردند، سبک کامل زندگی را ایجاد نموده است. بنابراین، بُعد اجتماعی و مذهبی اسلام می‌بایست قبل از دخیل شدن در تحلیل ساختارهای معماری مورد بررسی قرار گیرد.^۲

بدین طریق معماری اسلامی وحدت در عین گوناگونی را ارتقاء می‌بخشد که این به معنای یگانگی پیام و هدف و تنوع سبک‌ها، روش‌ها و راه‌حل‌ها می‌باشد. یقیناً این موضوع، معماری اسلامی را بسیار کارآمد، پویا و سازگار جلوه می‌دهد. علت آنکه این علم موضوع بسیار جذابی برای مطالعه است آن است که بررسی آن تنها به معماری و هنر محدود نمی‌شود، بلکه چیزی فراتر است: معماری اسلامی درباره مشاهده ایدئولوژی اسلامی و عقیده عملی و درباره مشاهده جهان کوچک جامعه اسلامی، تمدن و فرهنگ اسلامی و همچنین درباره اسلامی است که ظاهر و شمایل آشکار به خود گرفته است.

هویت و واژگان معماری اسلامی برای برطرف کردن دغدغه‌های جوامع مسلمانان در قالب یک هدف دچار تکامل و تحول گردید. معماری اسلامی به‌نوبه خود هرگز یک هدف نبوده

1 - Stefano Bianca

۲- استفانو بیانکا، ساختار شهری در دنیای اعراب، صفحه ۲۳-۲۲.

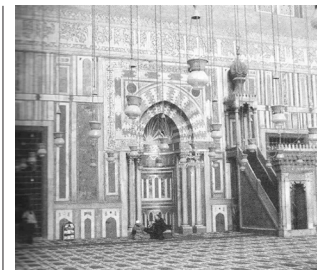
است، بلکه ظرفی از فرهنگ و تمدن اسلامی است که هویت فرهنگی و میزان خلاقیت و حس زیباشناسی مسلمانان را بازتاب می‌دهد. به‌طور کل، علم معماری می‌بایست همیشه در خدمت مردم باشد. عکس این موضوع هرگز نباید اتفاق بیفتد، یعنی اینکه معماری می‌بایست در قالب یک سرگرمی یا ماجراجویی خود را به جامعه تحمیل کند درحالی‌که هویت، فرهنگ و نیازهای زندگی روزمره مردم را انکار می‌کند. در وهله اول، معماری می‌بایست با بُعد کارآمدی و قابلیت در رابطه باشد. معماری نباید از ماهیت قابل اعتمادش فاصله بگیرد و در دنیایی از ادراک و ابتکارات مداوم سرگردان بماند.^۱

در آخر، هنگامی‌که از فرانک لویید رایت^۲، یکی از معروف‌ترین معماران آمریکایی در نیمه اول قرن بیستم، پرسیده می‌شود معماری چیست، در حال پاسخ دادن به این سؤال، بر مفهوم اسلامی معماری نظیر کارآمدی، پویایی و دوستدار محیط زیست و مردم تأکید می‌کند.

معماری معادل زندگی است؛ همان زندگی است که شکل خاصی به خود. درک فرانک لویید رایت از معماری بدین شرح در اظهاراتش خلاصه شده است: «درنهایت مفهوم معماری چیست؟ آیا کلکسیون عظیمی از ساختمان‌های متفاوتی است که برای ارضای سلیقه‌های متفاوت افراد گوناگون ساخته شده‌اند؟ من این‌گونه فکر نمی‌کنم. نه، من می‌دانم که معماری یعنی زندگی؛ یا حداقل زندگی‌ای که به خود شکل می‌گیرد، بنابراین معماری حقیقی‌ترین شیوه ثبت زندگی است به‌گونه‌ای که گویی معماری در جهان دیروز زندگی کرده است، در دنیای امروز زندگی می‌کند و در جهانی آتی نیز زندگی خواهد کرد. بنابراین معماری روح بزرگی خواهد داشت... معماری آن روح خلاق، پویا و بزرگی است که طبق ماهیت انسانی و شرایط متغیر زندگی‌اش از نسلی به نسل بعد و از قرنی به قرن بعد حرکت می‌کند، ایستادگی می‌ورزد و خلق می‌کند. این معنای حقیقی معماری است».^۳

دو نمونه: مساجد و خانه‌های اسلامی

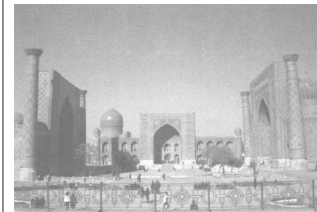
برای روشن کردن نکات قبلی، می‌بایست نمونه‌هایی از خانه‌ها و مساجد اسلامی را مورد بحث قرار دهیم.



دیوار قبله مدرسه سلطان الحسن در قاهره، مصر



پل خواجه در اصفهان، ایران



میدان رجستان (Registan) دربرگیرنده سه مدرسه، واقع در شهر سمرقند، ازبکستان

خانه

دین اسلام چگونگی ساخت خانه را به مسلمانان آموزش نداده است، اما چگونگی انجام اقداماتی که با خانه و یا پدیده مسکن‌سازی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مرتبطند را به آنان آموزش داده است. برخی از این اقدامات بدین شرح هستند: حفظ حریم خصوصی در برابر جهان خارجی (بیرونی)، در برابر اعضای خانواده، بین اعضای خانواده و بازدیدکنندگان، احترام به حقوق مهمان‌ها و بازدیدکنندگان، احترام به حقوق همسایگان و رابطه میان مردان و زنان، الزام انجام وظایف مذهبی، تمیزی، همزیستی مسالمت‌آمیز با محیط طبیعی

۱- همان مرجع.

2 - Frank Lloyd Wright

۳- معماری چیست؟

<http://architecture.about.co./library/blarchitecture.htm>.